نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام
جلد ۸/ شماره ۲/ پیاپی ۱۶/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (۱۴۹-۱۶۶)

نوع مقاله : پژوهشی

بازنگری در گاه‌نگاری شاهان ماد و سال‌شمار آن‌ها در نام‌نامه‌های اساطیری؛ نشانه‌هایی از تاریخ‌مندی اسطوره *

سورنا فیروزی[1*]، رضا مهرآفرین[2]، سید رسول موسوی حاجی[3]

چکیده

«باستان‌شناسی اساطیر» دریچه‌ای از مطالعات میان‌رشته‌ای است که در آن باستان‌شناس به واکاوی ریشه‌های یک اسطوره از منظر شواهد باستان‌شناختی می‌پردازد تا از میزان «تاریخ‌مندی» هسته آن اسطوره آگاهی به دست آورد. این مقوله پژوهشی به زنجیره‌ای از اطلاعات مرتبط با علوم تاریخی، اسطوره‌شناسی، باستان‌شناسی و نیز آشنایی با دو نگرش مطالعاتی با نام‌های «رهیافت تاریخی» و «رهیافت فرهنگی» نیازمند است. وجود دو نام‌نامه پرجزئیات در گزارش‌های برگرفته از کتاب گم‌شده آسوریکا نوشته کتسیاس اهل کنیدوس که بقایای اطلاعات آن، عمدتا در کتاب دوم دیودور و کتاب یوسبیوس برجای مانده است، روی هم از وجود شاهانی پیش از شاهان نام برده شده از سوی هرودوت و یا موازی آنان یاد می‌کند که ناشناخته محسوب می‌شوند. این مقاله می‌کوشد تا در کنار تحلیل کیستی این اشخاص اسطوره‌ای، به یک گاه‌نگاری دقیق و ممکن برای آن‌ها دست یابد که هم با داده‌های آماری-تاریخی موجود در منابع مکتوب قابل هماهنگ و هم از منظر شواهد باستان‌شناختی میدانی، قابل دفاع باشد. این‌که سرآغاز و سرانجام این نام‌نامه‌ها منطبق بر کدام شخصیت‌ها و ادوار تاریخی است، موضوعی است که در این نوشته با انجام آن، به تحلیل داده‌های مرتبط پرداخته می‌شود. پژوهش پیش‌رو نشان می‌دهد که آن‌چه برخی از نویسندگان درباره پیشینه قدمت و شخصیت‌های شاهانه ماد نوشته‌اند، این امکان را دارند تا از حیطه اساطیر، به بستر تاریخ وارد شوند. این که از منظر باستان‌شناسی اساطیر، شواهدی از هم‌خوانی میان این داده‌های اساطیری و اطلاعات موجود در منابع مکتوب میان‌رودانی برقرار است، نتیجه‌ای است که این پژوهش کنونی به آن دست یافته است.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی اساطیر، ماد، آشور، ساردناپالوس، آرباک.

ارجاع: فیروزی، سورنا؛ مهرآفرین، رضا؛ موسوی حاجی، سید رسول. ۱۴۰۲. بازنگری در گاه‌نگاری شاهان ماد و سال‌شمار آن‌ها در نام‌نامه‌های اساطیری؛ نشانه‌هایی از تاریخ‌مندی اسطوره. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۲) : ۱۴۹-۱۶۶.

۱. دانش آموخته دکتری باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
*- نویسندهٔ مسئول: sorena.firouzi@gmail.com
۲. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۳. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

مقدمه

دوره ماد که مرتبط با پیش از تصرف هگمتانه به دست کوروش بزرگ است (۵۵۰/۵۴۹ پ. م)، بخشی از عصر تاریخی و عصر آهن فلات ایران را برشمرده می‌شود که البته از دربار آن، اسناد نگارشی به دست نیامده و از این‌رو مبنای آگاهی‌های موجود، بر پایه تحلیل نوشته‌های همسایگان آشوری و بابلی و نویسندگان ادوار بعدی شکل گرفته است. این‌که نخستین اشاره به مردمان، شاهان و سرزمین ماد در کدام سند میان‌رودانی دیده می‌شود و داده‌های آمده در نوشته‌های نویسندگان روزگار پس از سقوط مادی‌ها تا چه اندازه با این کتیبه‌ها و الواح در محتوا هماهنگی دارند، یکی از مباحث حوزه مادشناسی برشمرده می‌شود. درباره فهرست شاهان ماد و سرگذشت آن‌ها پیش از برآمدن کوروش دوم، روایات مختلفی ارائه شده است. متون آشوری (بنگرید به جزئیات2020 ,Frame ,Grayson, 1996; Novotny & Jeffers, 20 و غیره در ادامه) از سکونت‌گاه‌های متعدد و گاه فرمانروایان مادی نام برده‌اند که به ظاهر با داده‌های ثبت شده از سوی مورخان یونانی چون هرودوت و کتسیاس هم‌خوانی تصیفی یا گاه‌نگارانه ندارند. نویسندگان روزگار پس از برافتادن حکومت مادی نیز از نام‌نامه‌های گوناگونی یاد کرده‌اند که اطلاعاتی درباره شمار و کردارهای شاهان منتسب به آن دوره ارائه می‌دهند. هرودوت به چهار شاه از یک دودمان اشاره کرده است، در حالی که کتسیاس و منابعی چون دیودور (Diodorus, *Library of history*: II) و بخش‌هایی از نوشته‌های نویسندگانی چون یوسبیوس (Eusebius, *Chronicle*)، خورنی (*تاریخ ارمنیان*، ۱۳۸۰) و آگاپیوس (Agapius, *Universal history*) که برگرفته از کار از میان رفته خودِ او یا منابع استفاده شده وی هستند، دست‌کم به هشت شاه اشاره می‌کنند که در یک نمونه (دیودور)، از نظر نام، شخصیت‌های همپوشانی با آن چه هرودوت آورده است، دیده نمی‌شود (بنگرید به ادامه).

در این مقاله با تحلیل قیاسی محتوای متون مختلف و داده‌های برآمده از منابع مکتوب میان‌رودانی، هدف بنیادین چنین است که درباره کیستی این شخصیت‌ها تحلیلی ارائه شود و در صورت امکان تاریخ‌مندی، برای حکومت هر یک از آن‌ها یک بازه زمانی منطبق با واقعیات تاریخی و شواهد باستان‌شناختی محاسبه شود.

پیشینه پژوهش

زرین‌کوب (۱۳۸۷)؛ ملازاده (۱۳۹۳)؛ افکنده (۱۳۹۵)؛ Gadd (1923) ; Parpola (1970) ; Starr (1990) ; Zimansky (1990) ; Lanfranchi (1990; 1995) ; Millard (1994) ; Medvedskaya (1999) ; Levine (1972; 1974; 1977) ; Diakonoff & Kashiari (1979) ; Zadok (1970; 2002); Fuchs (1994; 1998; 2003-2005) ; Lenfant (1996) ; Parpola, S. & M. Porter (2001) ; Glassner (2004) ; Llewellyn- Jones & Robson (2010) ; Zawadzki (2011-2012) و Zournatzi (2013).

به طور کلی، سابقه مطالعه درباره کیستی شخصیت‌های نام برده شده در متون آشوری و یا نوشته‌های متاخرتر یونانی-ارمنی-سریانی به سده نوزدهم و به پژوهشگرانی چون Sayce (1884)، Kruger (1856)، Tümpel(1897)، Gilmore (1888)، Baumstark (1897 & 1899) می‌رسد. در روزگار جدیدتر و در این زمینه نیز نظراتی از سوی پژوهش‌گرانی چون Gera (1997)، Frahm (2003 & 2017)، Novotny(2004)، Dalley (2005)، Teppo (2007)، Fuchs (2008)، Macgregor (2012)، Melville (2014)، Svärd (2016)، May (2018)، فیروزی (۱۳۹۳ و ۱۳۹۸) و ملکزاده (۱۳۹۸) دیده می‌شود که نوشته اخیر مورد نقد جدی قرار گرفته است (فیروزی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان، نوشته زرین‌کوب (۱۳۸۷) که در جهت بررسی تاریخ‌مندی شخصیت آرباکس انجام داده، بسیار متمایز است. در برابر، علی‌یف به تاریخی بودن شخصیت‌های آشوری و مادی یادشده از سوی کتسیاس باوری نداشته و در جایی و به نقل از ولنی، به علت آن چه ناهماهنگی میان گاه‌نگاری برآمده از داده‌های یادشده و داده‌های برآمده از تاریخ علمی می‌خواند، رای به ساختگی بودن داده های کتسیاس داد (علی‌یف، ۱۳۸۸: ۳۱۸-۳۱۷)؛ موضوعی که مبنای آن نادرستی محاسبات مرتبط با گاه‌نگاری بوده است و در ادامه آن را بررسی خواهیم کرد. در این میان، برخی نیز گمان برده‌اند که به علت نام برده شدن از برخی شخصیت‌های کهن‌تر مادی با نام‌های مشابه در نبشته های سارگن آشوری، این ها نه شاهان، بلکه سران قبایل مادی در زمانه سارگن بوده اند که بعدها مادی‌ها آن‌ها را در شمار شاهان کشور ماد بر شمرده اند (پیرنیا، ۱۳۶۶: ۲۱۶-۲۱۵. خدادادیان، ۱۳۷۹: ۱۴۶).

بیان ضرورت

تاکنون و در میان باستان‌شناسان دوره‌ی تاریخی و تاریخ‌پژوهان نگاه چندان خوشبینانه‌ای نسبت به نام‌نامه شاهان ماد در کتاب‌های دیودور و یوسبیوس (برگرفته از کتسیاس و بخش‌هایی از نوشته‌های کفالیون، کاستور و پلی‌هیستور) آمده، دیده نشده است. به طوری که گاه این گزارش‌ها را به کل افسانه و گزافه‌گویی نویسنده یا راویان می‌دانند.

بیان هدف

مقاله پیش‌رو می‌کوشد تا به بررسی پاسخ این پرسش‌ها بپردازد:

آ میان داده‌های اساطیری و ناشناخته در متون یادشده و شواهد به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی نوین، چه ارتباطی وجود دارد؟

ب ارزیابی و گاه‌نگاری اطلاعات در نام‌نامه‌های مختلف برجای مانده از شاهان ماد چگونه است و این که این نام‌نامه‌ها مرتبط شماری دودمانِ در پی هم و مرتبط با یک سرزمین بوده‌اند یا آن‌که یک گردآوری شاخ و برگ گرفته از مجموعه‌ای از فرمانروایان شناخته و ناشناخته پراکنده بوده است؟

روش‌شناسی:

این پژوهش، از راه مطالعه اطلاعات آماری درون متون نام‌نامه‌ها و نیز بررسی داده‌های توصیفیِ (شرح وقایع) مرتبط با هر یک از شاهان ناشناخته آشور و ماد در این متون و همچنین با تحلیل مولفه‌های آوایی (صورت نام‌ها)، زمانی (بازه‌های حکومت) و کرداری (همان داده‌های توصیفی) آن شخصیت‌ها و امکان تطبیق آن‌ها با مولفه‌های مشابه در چهره‌های تاریخی مستند و مرتبط منطقه، به وارسی میزان تاریخ‌مندی و هم‌خوانی چهره‌های اسطوره‌ای بحث شده، پرداخته است.

جغرافیای ماد:

نبشته‌های میان‌رودانی از شاهان عصر آشور نو و نیز نبشته‌های کشف شده از روزگار نوبابلی که همگی در پیوند با هزاره یکم پیش از میلاد هستند، داده‌هایی کمابیش روشنی از جغرافیا و گستره سرزمین و سکونت‌گاه‌های مادی ارائه کرده‌اند که از قرار زیر است:

از شمال غرب، حدود مادی‌نشین هم‌مرز با گیزیل‌بوندَ در نزدیکی منطقه زنجان‌چای امروزی (Zadok, 2002: 110). خطه میانی ماد و مادی‌نشین شامل «سرزمین دَتومبو» (KUR*da-tu-um-bu*)، «سرزمین کَزَبَکَنی» (KUR*ka-za-ba-ka-ni/ka-*[*ka-ni*]*a-*[*za-b*]*an-*)، «سرزمین کَرزینو» (*kar-zi-na*ki)، «سرزمین پیرنَکان» (KUR*pir-na-ka-an*)، «بَریکانو» (KUR*ba-ri-ka-a-nu*) برابر با «پاریکانوی» (παρικανοι) در متون یونانی، «شهر ه/خَرزینو» (URU*ḫa-ar-zi-a-ni*)، «شهر کَئیتانو» (URU*kaitānnu*)، سرزمین «رامَندَ» (KUR*rā-ma-an-da*) برابر با رامند امروزی در نزدیکی بوئین‌زهرا، «سرزمین اَرنَسی‌یَ» (KUR*ar-na-si-a*)، سرزمین «سَگَبیتَ» (KUR*sag-bi-ta*)، شهر و «سرزمین نیشَّ» (KUR/URU*ni-iš-šá-a/ni-š-a+a*) که برابر با منطقه «نیسای» (*Nisāya*) در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون است (Levine, 1972: 42; Fuchs, 1994: 116-118 & Zadok, 2002: 446). با فراتر رفتن دامنه آگاهی‌های جغرافیایی آشوریان در روزگار تیگلات-پیلسر سوم و سارگن دوم، از گستره ماد شرقی و سکونت‌گاه‌های دوردست مادی‌نشین این منطقه‌تا حدود کوه بیکنی (کوه دماوند) و نزدیکی کویر نمک نیزیادشده است (Luckenbill, 1927: 26, 40, 41, …; Grayson, 1996: 97- 98 & Frame, 2021: 156, 173).

نخستین شخصیت مادی در نبشته‌های آشوری

درباره شخصیت‌های مهم و فرمانروایان مادی‌ها که در متون نوآشوری ثبت شده‌اند، نام‌هایی دیده می‌شوند که از نظر آوایی و گاه‌نگاری، چندان با داده‌های موجود در متون یونانی‌زبان‌ها و مورخان دیگر شباهت ندارند که از جمله می‌توان به «خَنَصیروکَ» (*ḫa-na-ṣi-ru-ka*) یا به آوای بومی‌ترهنی‌سیروکَ اشاره کرد که در نبشته‌ای از «شَمشی اَدَد پنجم» (*Šamši-Adad* V) با شناسه «A.0.103.1» (ii-32)، از او با عنوان «(اهل) سرزمین ماد» (KUR*ma-ta-a-a*) یاد شده است. در این‌باره که به سومین لشگرکشی شاه آشوری یادشده مرتبط است، این گونه آمده است که مادی‌ها پس از آگاهی از آمدن سپاه آشور، «شهرهای خود» (URU.MEŠ-*šu-nu*) را ترک کردند و سپس از یک کوه ناهموار بالا رفتند. در ادامه، خَنَصیروکَ، یک رهبر مادی که در متون آشوری، نخستین شخصیتی از جمعیت مادی‌ها است که او را به نام می‌شناسیم، از آشوریان شکست خورد و

۱۴۰ سواره از سپاه او به غنیمت دشمن رفت. لشگر آشور پس از این پیروزی، سوی «شهر سَگبیتَ»، «شهر شاهانه» (URU*sag-bi-ta*URU MAN-*ti*) خَنَصیروکَ رهسپار شد و با تاراج دارایی‌های بی‌شمار فرمانروا، این شهر به همراه ۱۲۰۰ شهر دیگر او (1 LIM 2 ME URU.MEŠ-*šu*) چپاول، با خاک یکسان و سوزانده شد (Grayson, 1996: 185-186). پیرو این گزارش از شَمشی-ادد پنجم (۸۱۱-۸۲۴ پ. م)، گستره قلمرو رهبر مادی یادشده در آن برهه از زمان به حد شگفت‌آوری بزرگ یا پرسکونت‌گاه بوده است. «بیریسخَتری» (m*bi-ri-is-ḫa-at-ri*)، فرمانروای یک شهر (اهل) ماد (مادی‌ها) (LÚ.EN.URU *ša mad-a-a*)، شخصیت مادی دیگری در کتیبه‌های آشوری است که از پذیرش سلطه آشوربانی‌پال سرباز زد و سرانجام اسیر شد و در لشگرکشی پنجم این شاه آشوری (۶۶۵/۶۶۴ پ. م) شهرهایش که به همراه شهرهای سرزمین سَخی (KUR*sa-ḫi*) روی هم ۷۵ شهر بوده‌اند، به اشغال سپاه دشمن در آمد (Novotny & Jeffers, 2018: 65, 89 & 123).

منبع‌شناسی نوشته‌های کتسیاس

از آن جا که بنیاد سخن در این مقاله، داده‌های مفصل بر جای مانده از نوشته‌های کتسیاس است که از طریق آثار دیگران به دست ما رسیده‌اند، نخست لازم است تا درباره ماهیت این داده‌ها، منابع آن و میزان درستی آن‌ها بر مبنای محتوای کتیبه‌های میخی مطالعه کرد.

مطالعه مقوله ماد از منظر باستان‌شناسی اساطیر، چشم‌انداز نوینی در باستان‌شناسی این دوره برشمرده می‌شود (فیروزی و همکاران: ۱۴۰۰). نوشته‌های کتسیاس پایه‌گذار اطلاعات بسیاری از نوشته‌های کهن یونانی‌زبان، ارمنی و سریانی درباره‌ی تاریخ آسیای غربی بوده است. مجموعه اطلاعات نویسندگان آورده شده در کتاب *کرونیکل* (Chronicle) از یوسبیوس (Εὐσέβιος ; Eusebius) و نوشته‌های نویسندگانی چون دیودور سیسیلی (کتاب دوم)، مارآپاس کاتینا (Mar Apas Katina) (مرجع بخشی از کتاب موسی خورنی)، همگی از داده‌های کتسیاس تاثیرپذیری مستقیم و غیر مستقیم زیادی گرفته‌اند. درباره خاستگاه داده‌های کتسیاس، دیودور نوشته است که مرجع این پزشک یونانی‌زبان، نسخ دفاتر شاهی بوده است، در حقیقت به علت وجود یک قانون ویژه پارسی، گزارش‌های زیادی در بایگانی دربار نگهداری می‌شده است (Diodorus,*Library of history*: II/32). بعدها فوتیوس نیز نوشت که کتسیاس، داده‌های خود را بر اساس مشاهدات شخصی (منطقا رویت سند یا خود واقعه) و مشاهدات شاهدان مستقیم نوشته است (خلاصه‌ی فوتیوس، ۱۳۸۰: ۱۵). به این ترتیب، گویا کتسیاس کار خود را از روی مستندات مکتوب و تاریخ رسمی دربار به نگارش درآورده بود.

راستی‌آزمایی اطلاعات کتسیاس

بررسی دو نکته شناخته شده در نوشته‌های کتسیاس از طریق سنجش آن‌ها با گزارش تاریخ از زبان دربار هخامنشی که در کتیبه داریوش بزرگ در بیستون ذکر شده‌اند، می‌تواند به ارزیابی درستی یا نادرستی ادعای مطرح شده درباره مرجع اطلاعات این نویسنده یونانی منتج شود. موضوع نخست، زمان قتل بردیا پسر کوروش بزرگ به دست برادرش کمبوجیه است. هرودوت زمان این واقعه را پس از رفتن دو برادر به مصر و بازگشت بردیا از مصر به شوش بیان کرده است (Herodotus, III: 30)، اما کتسیاس درست مطابق با همان‌چیزی که تاریخ رسمی دربار در بیستون و رونوشت‌های آن در بایگانی، از رفتن بردیا به مصر چیزی ننوشته و زمان قتل او را به پیش از عزیمت کمبوجیه به آن سرزمین نسبت داده است (*خلاصه فوتیوس*، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۳). مساله دوم، تایید و هم‌خوانی داده‌های سرآغاز کتاب از میان‌رفته کتسیاس به نام *آسوریکا* با آنچه مارآپاس کاتینا آشوری‌تبار در بایگانی کهن شاه اشکانی دیده است (خورنی، ۱۳۸۰: ۷۶-۷۴، ۹۹-۸۳)، به سخن دیگر، آن‌چه از زبان کتسیاس در کتاب دوم دیودور بر جای مانده (و مشابه آن در گزارش‌های یوسبیوس و آگاپیوس در : Eusebius, *Chronicle*: 54-68; Agapius, *Universal history*: 99-100) درست همانند همان داده‌هایی است که چند صد سال بعد؛ مارآپاس کاتینا عینا در بایگانی دربار اشکانی (بنگرید به پیشتر) رویت کرده است؛ مطالبی مانند اشاره به نام و یا ماجراهای اساطیری شاهان آشور از سرآغاز حکومت نینوس و سمیرامیس تا قیام آرباک مادی و جانشینان او که در آثار برجای مانده از آ «دیودور» به نقل از کتسیاس (Diodorus, *Library of history*: II/1-34)، ب «یوسبیوس» به نقل از دیودور به نقل کتسیاس و به نقل از کاستور (Κάστωρ) و آبی/ودِنوس (Αβυδηνός)، و ج «آگاپیوس» با داده‌های خورنی به نقل از کاتنیا نزدیکی

دارند (بنگرید به پیشتر). مجموع این دو نمونه، به روشنی نشان می‌دهند که کتسیاس به راستی به محتوای تاریخ رسمی بایگانی شده دربار امپراطوری پارس دست‌رسی داشته است.

نام‌نامه شاهان ماد در سیاهه‌های گوناگون:

پیرامون کیستی و نام و گاه کردارهای شاهان مادی، سه مرجع غیر میان‌رودانی نخستین در دست است که از این قرار هستند. ۱ محتوای آمده در *کلیو* (Κλειώ; Clio) یا کتاب یکم هرودوت (Herodotus, I) که مرتبط با سده پنجم پیش از میلاد است، ۲ داده‌های کتاب *آسوریکا* از کتسیاس (نیمه نخست سده چهارم پیش از میلاد) که خود کتاب دیگر در دست نیست، اما چنان که پیشتر نیز بیان شد، کلیاتی از آن در آثار نویسندگان دیگر وجود دارند (بنگرید به ادامه). ۳ داده‌های نویسندگان دیگری که مشابه داده‌های کتسیاس یا آمیخته‌ای از داده‌های او و هرودوت ارائه کرده‌اند.

چکیده اطلاعات هرودوت، گاه‌نگاری برآمده از آن و تحلیل داده‌ها:

تاریخ ماد به روایت هرودوت، از جایی آغاز می‌شود که او طول مدت سلطه آشوریان بر منطقه را ۵۲۰ سال می‌خواند تا آن که مادی‌ها مستقل شدند (Herodotus, I: 95). اگر ملاک این استقلال را طبق کلام هرودوت در این بخش از کتابش، نه زمان کیاکسارس (Κυαξάρης)، بلکه روزگار به قدرت رسیدن دیوکِس (Δηϊόκης) در نظر بگیریم (به نقل از آمار هرودوت؛ ۱۵۰ سال پیش از تصرف هگمتانه به دست کوروش بزرگ)، او سابقه حکومت آشور را نهایتا تا شش سده پیش از این زمان به عقب برمی‌گرداند که در ادامه خواهیم دید این ادعا، نه با مستندات تاریخی- باستان‌شناختی استخراج شده از محتویات کتیبه‌ها تایید می‌شود و نه با آن‌چه به نقل از کتسیاس در نوشته‌های دیودور و یوسبیوس آمده، هماهنگی دارد.

هرودوت سپس از عصری یاد می‌کند که مادی‌ها در دهکده‌هایی (κώμη) پراکنده زندگی می‌کرده‌اند (Herodotus, I: 96). این در حالی است که پیشتر مشاهده شد که طبق گزارش‌های شاهان آشور (بنگرید به «مقدمه») دستکم صد و بیست سال پیش از زمانی که هرودوت درباره وضعیت مادی‌ها صحبت می‌کند، مادی‌ها به سطحی از پیوستگی و رشد یک‌جانشینی رسیده بودند که اولا دارای قلمروهایی فرا محلی و دربردارنده یک شهر شاهی و شماری اقمار بودند و دوم این‌که، این اقمار و سکونت‌گاه‌ها، در وسعت و کیفیتی قرار داشتند که کلام شاه آشور از آن‌ها با نام شهر (URU) و نَه قصبه و روستا (*ma-ḫa-zi*) یادکرده است. هرودوت در ادامه نوشته است که مادی‌ها به رعایت قانون نمی‌پرداختند و چنان هرج و مرج و بی‌عدالتی‌ای برقرار بود که آوازه دادگری یک قاضی به نام دیوکِس میان همگان پیچید و نهایتا، پس از گرد هم آمدن اهالی اکباتانا (هگمتانَ: جای/شهرِ گرد هم آمدن؛ شارپ، ۱۳۸۴: ۱۸۵ و Tavernier, 2007: 26) در یک انجمن، بدون دیوکِس شاه مادی‌ها شد و سلسله مراتبی دیوانی و سلطنتی برقرار ساخت و ۵۳ سال نیز حکومت کرد (Herodotus, I: 95-103). سپس پسر او، فرااُرتس (Φραόρτης)، بر جای او نشست و رو به مرزگشایی آورد و پارس را مطیع خود ساخت، سپس در سال ۲۲ از سلطنت خود، طی یک درگیری با آشوریان کشته شد (Herodotus, I: 102). نظراتی بر یک‌سانی میان این شاه با «کَشتَریتی» (*ka-áš-ta-ri-ti*/*kaš-ta-ri-ti*)از شهر/سرزمین «کَر-کَشّی» (کار-کاشی) (-^{KUR}*kar-kaš-ši-i*/*kàr-ka-si-a*) مطرح و بحث‌هایی بر سر پذیرش یا غیرقابل قبول بودن این تطابق بیان شده‌اند (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۳۴۲-۳۴۱ و ۳۴۸؛ Labat, 1961: 7; Starr, 1990: LX- LXI; Ivantchik, 1993: 80f; Roaf, 1995: 62 & Zadok, 2002: 117)؛ گرچه آورده شدن نام یک مدعی سلطنت به نام «فرورتیش» که خود را «خشَثَریتَ» از تخمه «اووَخشَترَ» (Uvaxštrah) خوانده بود (شارپ، ۱۳۸۴ :۴۴ و Kent, 1950: 121-123) موجب برابر قرار دادن آن‌ها (به ترتیب با فرااُرتِس، کَشتَریتی و کیاکسارس) با صورت نام‌های یونانی‌شده شاهان ماد در گزارش هرودوت و نیز آن رهبر مادی یادشده در کتیبه اسرحدون (*SAA* 04 045,… *SAA* 04 059) شده است (Starr: 1990: 45-69; URL 1 & 2) و نیز تهاجم کَشتَریتی به شهر «کیشِسی» (^{URU}*ki-še-si/su*)؛ ماهی‌دشت در نزدیکی نجف‌آباد امروزین طبق نظر لوین در Levine, 1977: 181)، شهر «کاربیتو» در مادغربی (^{URU}*ka-rib-ti*)، شهر «اوشیشی» ($^{[U]RU}$*ú-ši-ši*) و «کیلمَن» (Kilman) Diaokonoff, 1985: 104f., 106; Ivantchik, 1993: 224f/28 ;Zadok, 2002: 117, 119, 123 & Starr: 1990: 45-69)، موجب هم‌سان‌پنداری میان آن‌چه هرودوت روایت کرده و آن چه اسرحدون نوشته، ایجاد و در نتیجه کَشتَریتی و فرااُرتس را یک تن متصور می‌سازد، اما بزرگ‌ترین مشکل این فرض، ناهم‌خوانی مولفه بسیار مهم زمانی و گاه‌نگاری

حکومت این دو شخص توصیفی با هم است (۶۷۳ پ. م. برای کَشتَریتی و ۶۲۵ پ. م. برای فراُرتس) که از بن مساله را پوچ می‌سازد. ضمن این‌که کشتریتی در پرس‌وجونامه‌های اسرحدون از خدای خورشید، با وجود داشتن یک نام مادی، اما با هویت مادی‌ها وصف نشده، بلکه متحد یک شاه شهری ماد است (Starr, 1990: 46).

هرودوت در ادامه، از اشغال ۲۸ ساله بخش‌های شمالی سرزمین ماد از سوی سکاهایی که به دنبال کیمریان آمده بودند، اشاره می‌کند و در عین حال، آغاز سلطنت ۴۰ ساله کیاکسارس پسر فراُرتس در هگمتانه را نیز از همین سال آغازین اشغال نواحی شمالی می‌داند (Herodotus, I: 106-107). گرانتوفسکی کوشیده است تا با برهم زدن اطلاعات آماری هرودوت و ایجاد یک شجره‌نامه از نوساخته، با جابجا کردن زمان شاهان ماد از نگاه هرودوت، ناهماهنگی میان زمان کَشتَریتی و فراُرتس را با مستقل کردن دوره ۲۸ ساله چیرگی سکاها از ۴۰ سال سلطنت کیاکسارس، هماهنگ جلوه دهد (Grantovskiy, 1998: 139, 174-76)، اما روشن است که چنین کاری، دست‌برد به محتوای دو سند کهن و جعل یک نام‌نامه میانه و بر حسب سلیقه شخصی بیش نیست و در ادامه نیز خواهیم دید که که چرا این دوره نمی‌تواند به صورت مستقل تصور شود. پیرو روایت هرودت، کیاکسارس سپاه ماد را سامان داد، سکاها را از سرزمین‌های مادی بیرون راند، با بابل اتحاد برقرار و همراه آنان به آشور تاخت، سپس هرودوت مساله نبرد کیاکسارس با لیدی و خورشیدگرفتگی معروف نبرد هالیس را بیان می‌کند. سرانجام تاریخ ماد در گزارش هرودوت، فرمانروایی ۳۵ ساله آستیاگس و سقوط او به دست کوروش بزرگ است (Herodotus, I: 74, 106-107 & 130). چنان‌چه، گاه‌نگاری شاهان ماد برمبنای داده‌های توصیفی و آماری هرودوت ترسیم شود، جدول ۱، نتیجه این اطلاعات خواهد بود.

جدول ۱- فرمانروایان ماد برپایه داده‌های توصیفی و آماری هردوت در *کلیو*

نام فرمانروا	مدت فرمانروایی	بازه زمانی (پ. م)
دیوکِس	۵۳	۷۰۰ـ۶۴۷
فراُرتس	۲۲	۶۴۷ـ۶۲۵
کیاکسارس	۴۰	۶۲۵ـ۵۸۵
آستیاگس	۳۵	۵۸۵ـ۵۵۰/۵۴۹

جدا از گرانتوفسکی، اینکه چرا برخی از پژوهشگران دیگر، برای محاسبه زمان آغازین حکومت دیوکِس، سال ۷۲۸ پ. م را معرفی کرده‌اند (مانند کامرون، ۱۳۶۵: ۱۳۴)، جز عدم دقت به جزئیات آمده در گزارش هرودوت علتی نداشته است. چنان که بیان شد، با وجود آن که در کتاب *کلیو* (Herodotus, I: 103, 106 & 204)، از حمله‌ی سکاها به بخشی از ماد و اشغال برای ۲۸ سال که موازی با ۲۸ سال اول کیاکسارس صحبت شده است (*Ibid.* 106-107)، اما این دسته از پژوهشگران، آن برهه از زمان را مستقل و پیش از روزگار کیاکسارس فرض کرده‌اند.

۲- در گزارش‌های اقتباس‌شده از اطلاعات کتسیاس (شاید حتی در مرجع استفاده شده کتسیاس)، ۴ حالت از اشاره به شاهان مادی از این قرار دیده شده است:

الف دیودور سیسیلی (سده یکم پیش از میلاد) به پیروی از کتسیاس، نام‌نامه‌ای پیوسته و متشکل از هشت نام برای شاهان مادی ارائه می‌دهد:

«آرباکِس/آرباکِن» (Αρβακες/Αρβακεν) با ۲۸ سال حکومت که پیش از سلطنت، به همراه یک شاه بابلی (در متن کلدانی آمده) تا مدتی رهبران باج‌گذار قوم خود نزد یک شاه آشور به نام «ساردناپالوس/ سردناپالون» (Σαρδανάπαλος/Σαρδανάπαλλον) بودند، اما سرانجام بر او شوریدند که ذکر آن در ادامه می‌شود، «مائوداکِس/مائوداکِن» (Μαυδάκης/Μαυδάκην) پسر آرباکس، شاه پیشین با مدت زمان ۵۰ سال حکومت، «سُسارموس/سُسارمون» (Σώσαρμον/Σώσαρμος) با مدت زمان فرمانروایی ۳۰ ساله، «آرتوکاس/آرتوکان» (Ἀρτύκας/Ἀρτύκαν) با شاهی ۵۰ ساله، «آربیانِس/آربیانِن» (Ἀρβιάνης/Ἀρβιάνην) با سلطنت ۲۲ ساله، «آرتائوس/آرتائون» (Ἀρταῖος/Ἀρταῖον) با ۴۰

سال حکومت که در دوران خود با کادوسی‌ها (Cadusii) به رهبری یک «عضو پارسی و سابق انجمن سلطنتی ماد» درگیر شد و از آن‌ها شکست خورد، «آرتونِس/آرتونِن» (ἀρτύνης/ἀρτύνην) با ۲۲ سال فرمانروایی، «آستیباراس/آستیباران» (Ἀστιβάρας/Ἀστιβάραν) با ۴۰ سال سلطنت که که با قیام پارتی‌ها و همکاری سکاها با شورشیان روبه‌رو شد و سرانجام کار به عقب راندن سکاها و سپس مصالحه کشید و «آسپانداس/آسپاندان/ آستیاگس نزد یونانیان» (Ἀσπάδας/Ἀσπάδαν) بدون ذکر سال حکومت و سقوط حکومت او در اکباتانا به دست کوروش بزرگ (Diodorus, *Library of history*: II/24-34).

در کنار این سیاهه، دیودور به دو موضوع دیگر نیز اشاره کرده است، یکی آن‌که می‌نویسد پیرو گزارش هرودوت، پیش از آن که کیاکسارس (مفهوم جمله، دیوکِس است) به شاهی برگزیده شود، دولت-شهرها (مقصود در سرزمین ماد است) از شیوه‌ای از حکومت‌ها بهره می‌بردند که سبک و سیاقی دموکراتیک (διοικεῖσθαι δημοκρατικῶς) داشت، اما کیاکسارس (دیوکِس) به شاهی انتخاب شد و قلمرو همسایگان را به سرزمین خود پیوست داد (*Ibid.* II/32)، همچنین او نوشته است که نخستین شاه سلسله اساطیری آشور (نینوس)، یک شاه مادی به نام «فارنوس» (Φαρνυς) را شکست داده است که این رویداد، با توجه به اشاره دیودور (برمبنای کتاب کتسیاس) به حکومت ۱۳۰۰ ساله آشوریان از آغاز تا پایان، همین مدت پیش از روی کار آمدن آرباکِس توصیف شده است (*Ibid.* II/1, 28).

ب یوسبیوس (سده‌های سوم و چهارم میلادی) به نقل از «کفالیون» (Κεφαλίων؛ سده دوم میلادی)، سیاهه فرمانروایان مادی را تا به صورت نیمه نخست مشابه کتسیاس و نیمه دوم همانند هرودوت ثبت کرده است:

«آرباکِس» (Arbaces) ۲۸ سال، «مائوداکِس» (Maudaces) ۲۰ سال، «سُسارموس» (Sosarmus) برای ۳۰ سال، «آرتوکاس» (Artycas) ۳۰ سال، «دیوکِس» ۵۴ سال، «فراُورتِس» ۲۴ سال، «کواکسارِس» ۳۲ سال و «آشتداهاک» (Ashdahak) (Eusebius, *Chronicle*: 67-68).

این نخستین سند موجود از برقراری یک هم‌خوانی میان داده‌های کتسیاس و هرودوت است.

این سیاهه همچنین پس از فهرست بلند و کاملی از شاهان اساطیری آشور آمده است که یوسبیوس با ذکر دقیق سال‌های حکومت هر یک از آن‌ها، مرجع خود را بیشتر نویسندگان چون آبیدِنوس؛ شاید اوایل سده دوم پیش از میلاد، کاستور (سده یکم پیش از میلاد)، کفالیون و دیودور معرفی می‌کند. در میان نام‌های شاهان این فهرست تماما اساطیری که جمع سال‌های حکومتشان ۱۲۰۶ سال است، چند نام شناخته شده پارسی و مادی به چشم می‌خورند: «Xerxes»، «Armamithres»، «Sosmares»، «Sosarmus» و «Mithraeus» به ترتیب ششمین، هفتمین، بیست‌ویکمین، بیست‌وسومین و بیست‌وچهارمین شاهان نام‌نامه (*Ibid.* 53-67).

یوسبیوس همچنین به نقل از الکساندر پلی‌هیستور (Ἀλέξανδρος ὁ Πολυΐστωρ؛ سده یکم پیش از میلاد)، به سیاهه دیگری اشاره می‌کند که در آن، پیش از تاج‌گذاری سناخریب (۷۰۵ پ. م) شماری شاه و ملکه با ذکر یا بدون ذکر نام به تعداد زمان معینی حکومت می‌کنند و در سرآغاز آن، از حکومت ۸ شاه مادی برای ۲۲۴ سال یاد می‌کند، بی‌آن‌که از آنان نام ببرد. او پیش از این که این سیاهه را بنویسد، نوشته است که مادی‌ها به بابل حمله می‌کنند و پس از این نوشته، سیاهه مذکور آغاز می‌شود (*Ibid.* 24-25).

پ «موسی خورنی» (سده پنجم میلادی)، تاریخ‌نگار ارمنی به نقل از «مارآپاس کاتینا» (در سده دوم پیش از میلاد که به بایگانی‌های شاهی روزگار اشکانی مراجعه کرد؛)بنگرید به «راستی‌آزمایی داده‌های کتسیاس» داده‌هایی را ثبت کرده که همانند فهرست یوسبیوس، در آن نیمه نخست از سیاهه ۸ شاه ماد، مشابه با فهرست کتسیاس و نیمه دوم مشابه با اطلاعات هرودوت است و او نیز آن دو نیمه را به صورت پیوسته به هم چنین گزارش کرده است:

«وارباکِس» (Varbaces)، «مُداکیس» (Modak'is)، «سُسارمُس» (Sosarmos)، «آرتیکاس» (Ar'ti'kas)، «دِئُوکیس» (Deovkis)، «پراوُرتیس» (Pravortis)، «کِواکسارس» (K'vaksares)، «آژداهاک» (Azhdahak) (خورنی، ۱۳۸۰: ۷۸).

ت در سیاهه «آگاپیوس» (Ἀγάπιος) (سده دهم میلادی) نیز نام‌نامه‌ای از فرمانروایان مادی و کاملا مشابه با آن‌چه خورنی و یوسبیوس ثبت کرده‌اند، دیده می‌شود، اما سال‌شمارها تا حدی متفاوت‌اند (: Agapius, *Universital history*: 100)

«آرباکوس» (Arbacus) ۲۸ سال؛ «ماندائوس» (Mandaous) ۲۰ سال، «سوسارموس» (Sousarmous) ۳۰ سال، «آ...ثا ...س» (A.tha.s) (آرتوکاس) ۳۰ سال، دیوکس (Deioces) ۵۴ سال، آفراتیس (Aphraartis) ۲۴ سال، کیاکسارس

(Cyaxares) ۳۲ سال، آستیاگس (Astyages) ۲۸ سال.

در همین نام‌نامه و پیش از این نام‌ها، به شاهان اساطیری آشور (با آواهای کمابیش متفاوت) نیز اشاره شده است (*Ibid.* 99-100).

وارسی گاه‌نگاری نام‌نامه‌ها

با توجه به گاه‌نگاری تثبیت شده شاهان هخامنشی (برمبنای علل مختلف از جمله مطابقت اطلاعات اختربینی لوح گوگمل با سال ۳۳۱ پ. م؛ و برتخت نشستن کوروش بزرگ در انشان در المپیک پنجاه و پنجم یونانیان؛ ۵۶۰ پ. م) (Eusebius, *Chronicle*: 201) زمان واقعه سقوط هگمتانه یا پایان کار آخرین شاه مادی در همه نام‌نامه‌ها که مطابق با سال ششم سلطنت *نبونئید* بوده (*ABC*7)، معین و برابر ۵۵۰ پ. م؛ و نهایتا ۵۴۹ پ. م. محاسبه شده است. از این مبدا است که گاه‌نگاری‌های مختلف برای زمان‌دهی به شخصیت‌های نام برده شده از سوی هرودوت و دیودور ارزیابی شده‌اند. به طور کلی علت این که ماجرای درگیری آرباکس و یار بابلی او بلسوس با سرداناپالوس آشوری، جدی گرفته نشده، این است که مبدا محاسبه گاه‌نگاری این واقعه و شاهان مادی فهرست مذکور، تنها برمبنای یکی از دو روایت آمده در گزارش یوسبیوس ملاک قرار داده شده است. این موضوع را به خوبی می‌توان از نتیجه‌گیری علی‌یف از محاسبات اشتباه «ولنی» و به پیروی از همین استنتاج اشتباهِ علی‌یف، این برداشت نزد دیگر پژوهشگران تعمیم یافت، این‌گونه که علی‌یف به پیروی از ولنی تلاش کرده است تا دست به محاسبه گاه‌نگاری سال یکم از نخستین شخص در سیاهه شاهان ماد نزد کتسیاس بزند، اما در محاسبات چون معیار محاسبه را تنها آن روایت در نظر گرفته که سقوط ساردناپالوس و آغاز سلطنت آرباکس در سال ۶۷ پیش از نخستین المپیک یونانیان (۸۴۳ پ. م. =۶۷+ ۷۷۶ پ. م) بوده است (Eusebius, *Chronicle*: 54)، تاریخ رخداد اساطیری را سال ۸۶۷ پ. م. به دست آورد (که همین نتیجه هم در محاسبات نادرست است!) و چون هیچ شاهد باستان‌شناختی هماهنگ نیافت، همچون گذشتگان خود، رای به ساختگی بودن داده‌های کتسیاس داد (علی‌یف، ۱۳۸۹: ۳۱۸-۳۱۷). این در صورتی است که او یا روایت دوم که نمونه اصلی‌تر پس از نام‌نامه شاهان اساطیری آشور آمده، یا آگاهی نداشته و یا به راستی‌آزمایی آن نپرداخته است (بنگرید به ادامه) و در نتیجه اسطوره سردناپال-آرباکس-بلسوس صورت نادرست از واقعه تاریخی سقوط نینوا توسط کیاکسارس و نبوپلسر تصور شده است.

حال چنان‌چه روایت دومو اصلی، جایی که یوسبیوس نوشته که «از سوی بیشترین مورخان قابل اطمینان ثبت شده است» (Eusebius, *Chronicle*: 64)، سال چهلم پیش از المپیک نخست یونانیان (۸۱۶ پ. م. =۴۰+ ۷۷۶ پ. م) (*Ibid.* 67) پایه محاسبه مساله، یعنی آن زمانی که اسطوره سقوط ساردناپالوس و به قدرت رسیدن آرباکس به آن نسبت داده شده است، ملاحظه گردد، این هم‌خوانی‌ها قابل طرح هستند: ۱ مطابق با محتوای یک لوح با شناسه «*ABC*25»، نام فرمانروای بابل، «مردوک-بلاطسّو- ایک/قبی» (*marduk-balāṭssu-iqbi*) بوده است که در سال ۸۱۹ پ. م. به قدرت رسیده است (*ABC*25)، به سخن دیگر، آن‌چه به نقل از داده‌های کتسیاس و مراجع او (بایگانی‌های شاهی پارسیان) در کتاب دوم دیودور به صورت «Belesys» (Diodorus, *Library of history*: II/24) و در گزارش یوسبیوس به شکل «Belesius» بابلی و مرتبط با سال چهلم پیش از المپیک نخست یونانیان ثبت شده است (Eusebius, *Chronicle*: 67)، به طور واضح دارای مطابقت هویتی (بابلی)، زمانی (۸۱۶ پ. م) و آوایی است. از سوی دیگر ضلع دوم اسطوره یعنی، ساردناپالوس نیز براساس مولفه‌های سه‌گانه یادشده، قابلیت انطباق با یک شاهزاده روزگار نوآشوری دربار آشور را دارد. «آشور-دنین-اپلی» (*Aššur-danin-apl*i) یا «آشور-دَنّین-اپلَ» (*Aššur-da''in-apla*) (Luckenbill, 1926: 254; Grayson, 1996: 183) پسر بزرگ‌تر شلمانسر سوم (نخستین اشاره‌گر به مادی‌ها پیرو دیدگاه رایج در محافل باستان‌شناسی) و وارث رسمی قدرت؛ گرچه هیچ‌گاه فرمانروای رسمی آشور نشد، اما برضد پدرش طغیان کرد و طبق کتیبه‌ای از برادرش، شَمشی-اَدد پنجم، کنترل ۲۷ شهر و دژ از جمله نینوا را به دست گرفت و مردمان گستره بزرگی از خاک آشور را وادار به پیمان با خود ساخت (*Ibid.*). با توجه به بزرگی قلمروی این شاه‌زاده شورشی (از زَبَن و اربیل در شرق تا خوزیرینَ در غرب) از یک سو و تسلط او بر نینوا از سوی دیگر، منطقا شاه قانونی، یعنی پدرش، شلمانسر سوم، تا پایان عمر از حدود تختگاهش «کلخو» به سرحدات غربی گریخته بوده است و این گونه، از دید ناظر نشسته در بابل و در ماد، «آشور-دَنّین-اپلَ» در نینوا (طبق اسطوره) به عنوان شاه

آشور دیده می‌شد. در کنار مسائل پیشین، هم‌خوانی واضح دو مولفه بسیار مهم دیگر، یعنی صورت آوایی دو نام «ساردناپالوس» و «»آشور-دَنین-اپلی یا «آشور-دَنّین-اپلَ» و گاه‌نگاری این دو (۸۱۶-۸۳۶ پ. م. برای حکومت اساطیری ساردناپالوس در نینوا و ۸۲۰-۸۲۵/۸۲۴ پ. م. برای مدت طغیان شاه‌زاده مذکور) (بنگرید به فیروزی، ۱۳۹۹ و Mahieu, 2018)، به خوبی نشان می‌دهد که اطلاعات برآمده از کتسیاس و ماخذ درباری او، ریشه وقایع درباری آشور و بابل از نگاه مادی‌ها داشته است و در آن‌ها جزئیات کم‌وبیش دقیق توصیف شده‌اند.

اکنون و برپایه مطابقت دادن دو شخصیت از سه شخصیت اصلی اسطوره آرباکس، می‌توان جدول ۲ را ترسیم کرد تا برمبنای جمیع اطلاعات هرودوت، دیودور- یوسبیوس (با ارجاع به کتسیاس)، موسی خورنی و آگاپیوس بر روی هم رفته، می‌توان پیرو جدول ۲، گاه‌نگاری شاهان ماد برپایه‌ی گزارش یوسبیوس با محوریت گزارش کتسیاس را چنین ترسیم کرد. جهت ترسیم یک گاه‌نگاری درست و دارای پشتیبانی استنادی، می‌توان گفت که نه تنها امکان برقراری یک تطبیق میان داده‌های برجای مانده از گزارش کتسیاس (نزد دیودور) و داده‌های هرودوت وجود دارد، بلکه آن بین داده‌های دیودور و هرودوت و اطلاعات آماری مرتبط با طول مدت حکومت شاهان ماد در سیاهه‌های ثبت شده به دست یوسبیوس و آگاپیوس نیز به می‌توان به یک هم‌خوانی دقیق دست یافت. افزون بر این، مجموع گاه‌نگاری نهایی استخراج یافته و مطابقت داده شده از این منابع، نه تنها در جاهایی، با داده‌های برآمده از منابع مکتوب آشوری و بابلی دارای هم‌پوشانی است، بلکه اطلاعات هر دو گروه، بی‌آن‌که همدیگر را به چالش و تداخل داده‌ها بکشند، کاستی‌های یکدیگر را نیز برطرف می‌کنند.

در این‌جا ذکر چند نکته مهم است:

۱- روایت اساطیری ساردناپالوس، طول حکومت او و سرآغاز آن و ارتباط این صورت اسطوره‌ای از شاه‌زاده طغیان‌گر، آشور-دنین-اپلی با مادی‌ها، به طرز جالبی، منطبق بر سالی (۸۳۶ پ. م) است که در تاریخ، شلمانسر سوم با مادی‌ها برخورد می‌کند، گویا که روایت اساطیری از حکومت آشور-دنین-اپلی که در قالب ساردناپالوس آمده، بخش بزرگی از شکوه و کردارهای پدر او را هم در خود گرفته است.

۲- درباه گزارش شَمشی-ادد سوم از لشگرکشی سوم خود که در آن بیان می‌کند که اندرون سرزمین ماد و پیرامون آن شده است، این مساله نشان‌گر حل معضل شاه‌زاده شورشی و بازگرداندن سرزمین‌های در تصرف او به شمشی-ادد است؛ زیرا تنها از این طریق برای شمشی-ادد ممکن بوده است تا به سرزمین‌های شرقی آشور دست یابد. از این‌رو درباره زمان این واقعه دو تصور ممکن است:

آ اگر آشوب برادر در همان سال اول سرکوب شده باشد (چه طبق اسطوره به دست مادی‌ها و با یاری بلخی‌ها و بابلیان و چه فرضِ انجام به دست شمشی-ادد)، لشگرکشی سوم این شاه آشوری که بر ضد خَنَصیروکَ مادی، در سال سوم سلطنت او (۸۲۱ پ. م) صورت گرفته است. کسانی چون دیاکونوف و زادُک (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۲۱۲-۲۱۰ و Zadok, 2002: 118, 125) به همین تاریخ معتقد هستند، اما لازم به یادآوری است که برای خاموشی طغیان یادشده در این زمان (سرآغاز حکومت شمشی-ادد)، نه دلیلی برای اثبات وجود دارد و نه شمشی-ادد از پیروزی خود بر او مطلبی نوشته است. ضمن این‌که سال برتخت نشستن این شاه آشوری، برابر با ۸۲۴ پ. م؛ و مصادف با ادامه حکومت برادر طغیان‌گر در ۲۷ شهر یادشده بوده است و بنابراین این‌که بتواند سه لشگرکشی خود را در بازه زمانی ۸۲۴ تا ۸۲۱ پیش از میلاد و در مناطقی انجام دهد که ابتدا نیاز به تسلط بر سرزمین‌های آشور-دنین-اپلی داشته است، دور از منطق است.

ب با توجه به نکته اخیر که در حالت «آ» بیان شد، چنان‌چه مطابق با اسطوره ساردناپالوس، آشور-دنین-اپلی به هر نحوی در سال ۸۱۶ پ. م. از بین رفته باشد، آن‌گاه سال مرتبط با سومین لشگرکشی شمشی-ادد پنجم، برابر با ۸۱۴ پ. م؛ و سال‌های در پیوند با دو درگیری این شاه با مردوک-بلاطسّو-ایک/قبی (Grayson, 1996: 188, 190) نیز به ترتیب برابر با ۸۱۳ و ۸۱۲ پ. م. می‌شود که به زمان محو شدن شاه بابلی از تاریخ، بسیار نزدیک است و این گونه، تصور منطقی‌تر بودن حالت «ب» بیشتر می‌شود.

روی هم رفته، چنان‌چه سال شکست خَنَصیروکَ و سقوط تختگاه او (سَگبیتَ) برابر با سال ۸۱۴ پ. م. فرض شود، دگربار دو حالت ممکن قابل تحلیل است:

آ آرباکِس فرضی (که دو سوی داستان او اثبات‌پذیر هستند) هر جایگاه ممکنی را که در تاریخ می‌توانسته داشته باشد،

خَنَصیروکَ، یک شخصیت مادی مستقل از او بوده است و بنابراین برافتادن قلمروی این فرد دوم، ارتباطی با حکومت ۲۸ ساله آرباکِس نداشته است.

ب از آن‌جا که آرباکِس شاه اکباتانا (هگمتانَ) توصیف شده (Diodorus, *Library of history*: II/28) و در این حالت از بحث که میان خَنَصیروکَ و او یک هم‌زمانی و مشابهت مقام (فرمانروای ماد) صورت گرفته است، توجه به نام و جایگاه شهر شاهی خَنَصیروکَ؛ یعنی «سَگبیتَ» می‌تواند حاوی نکات مهمی باشد. یکی این که این شهر بر سر راه «سرزمین اَرَزی‌اش» (KUR*a-ra-zi-áš*)؛ از سمت «سرزمین گیزیل ب/پوندَ» (KUR*gi-zi-il-b/pu-un-da)i*) واقع بوده است (Zadok, 2002: 118). اَرَزی‌اَش خود در نزدیکی «شهر/سرمین خَرخَر» (URU/KUR*ḫar/ḫar)ḫa-ar*) قرار داشته است (Streck, 1900: 344, n. 1; Fuchs, 1994: 423; Zadok, 2002: 125) و خرخر نیز بر طبق نظر هرتسفلد، نسبت به آشور در شرق و سوی ملایر و نهاوند موجودیت داشت (Hertzfeld, 1968: 32) و بر پایه یک نگرش، همان تپه گیان بوده است (Reade, 1978: 140f.). درباره کجا واقع بودن گیزیل ب/پوندَ که میان مانئا و ماد وصف شده نیز دو نظر چنین است که میان زنجان و دریای مازندران و یا در حوالی روستای زنجان‌چای قرار داسته است (Diakonoff, 1985: 79; Fuchs, 1994: 435; Reade, 1979: 176 & Zadok, 2002: 110). البته ما با نام «سرزمین بیت-سَنگیبوتِ/تی» (*-sa-an-gi-bu-*KUR*É*)*te/ti*) یا «سرزمین سَنگبوتِ» که متعلق به مادی‌ها و در نزدیکی خرخر بوده است (Fuchs, 1994: 445 & Zadok, 2002: 123) و گاه با «بیت-سَنگی» (Bīt-Sangi) همسان فرض می‌شود (Billerbeck, 1898: 80f.; Levine, 1977: 142.f; Diakonoff, 1991: 16, n.11; Vera Chamaza, 1994: 105f. & Zadok, 2002: 123) نیز روبه‌رو هستیم که ممکن است با سَگبیتَ یکی بوده باشد. اما سرزمین «بیت-سَگبَت» (KUR*É-sa-ag-ba-at*) که دژ بابلی خوانده شده است (Zadok: 2002: 124 & Fuchs, 1994: 428f., Grantovskiy, 1970: 114) جدا از این موارد، جنوبی‌تر و در نزدیکی ایلام واقع بوده است (Winckler, 1889: 124, 137f.; Zadok: 1985b: 49 & Zadok, 2002: 124). روی هم رفته آن‌که با توجه به امکان برابر قرار دادن این اکباتانا که از سوی دیودور برای دوران آرباکِس نسبت داده شده و سَگبیتَ، شهر شاهی، ممکن است در مبحث حالت «ب»، خَنَصیروکَ نام شخصی آرباکِس و نام دوم، لقب او بوده باشد که پس از پیروزی بر آشور-دنین-اپلی (ساردناپالوس)، متحمل شکست و خسارت سنگین از برادر او شده، ولی به حکومت خود ادامه داده است.

نکته مهم این است که مقصود نگارندگان از برابر قرار دادن اکباتانا یا هگمتانه با سَگبیتَ در این‌جا، الزاما به معنای همسان دانستن آن اکباتانا مرتبط با روزگار دیوکِس تا داریوش بزرگ نیست؛ چرا که اولا، بنیاد (یا گسترش) آن شهر از همان روزگار دیوکِس مطرح شده است (Herodotus, I: 98) و دوم این‌که چه در جغرافیاشناسی کتیبه داریوش در بیستون (در سر راه ری از کوندوروش و نه چندان دور از آن؛ شارپ، ۱۳۸۴: ۵۱؛ Kent,1950: 124) و چه در آن‌چه ایزیدور خاراسنی از موقعیت اکباتانا بیان کرده است (در سر راه ری از سمت بیستون و کنگاور؛ Isidore, *The Parthian Stations*: 6-7)، محل این شهر با محل وصف شده بر سَگبیتَ در بالا تفاوت زیادی داشته است.

۳- درباره فتوحات شگفت‌انگیز تیگلات-پیلسر سوم (۷۲۷-۷۴۵ پ. م) که تا حدود کوه بیکنی، از شهرهای مختلف و از جمله مادی‌ها خراج گرفته و برخی را نیز ویران کرده است (بنگرید به منابع مرتبط با او در جدول ۲)، می‌توان این احتمال قوی را داد که حکومت سُسارموس اساطیری و ناشناخته، در پی همین حمله تاریخی و مرتبط با سال نهم شاه آشوری از دست رفته است.

۴- هم‌خوانی قابل توجه آوایی میان آرتوکاس (۷۰۸-۷۳۸ پ. م) در نام‌نامه‌های اساطیری «ه/خَردوک» (H/Ḫardukka یا «زَردوکّو» (Zardukku) (Luckenbill, 1927: 76, 104) یا «زاردوکا» (*za-ar-du-ka-a*) یا «زاردوکّ» (*za-a-rdu-uk-ka*، فرمانروای شهر «ه/خَرزینوای» (URU*ḫa-ar-zi-a-nu/i*)) (Thureau-Dangin, 1912: 49; Levine, 1972: 42, ii, 62; Fuchs, 1998: 41, vib, 29; Zadok, 2002:116; Frame, 2021: 281, 365, 453) در کتیبه‌های آشوری (منشور A نامه به خدای آشور و استل آسیب دیده و پیدا شده از نجف‌آباد در نزدیکی شهر اسدآباد ایران) (Luckenbill, 1927: 73, 104 & Frame, 2021: 271, 350, 444) که تحت حمله و تاراج سارگن دوم نوآشوری قرار گرفت (البته زمان حمله چندسالی پیش از سال ۷۰۸ پ. م. بوده است)، یک‌بار دیگر درستیِ تقریبی آن‌چه کتسیاس به عنوان سیاهه شاهان ماد و گاه‌نگاری آن‌ها نوشته است را نشان می‌دهد. البته فرق میان وصف اساطیری و آن‌چه در محتوای

کتیبه‌های سارگن وجود دارد، مرتبط با گستره چیرگی و قلمرو شخصیت اساطیری آرتوکاس و صورت تاریخی احتمالی و منطبق او، یعنی زاردوکا است که این گونه اختلافات حاصل از اغراق در اساطیر معمول است.

۵- با توجه به وجود یک نمونه از فرهنگ اجتماع کردن به دور هم به منظور تصمیم‌گیری در هگمتانه پیش از شاهی دیوکِس در گزارش هرودوت که پیشتر ذکر شد (مشابه حکومت موقت نمایندگان و قاضیان در یونان با نام حاکمیت آرخون‌ها و نیز در میان یهودیان معاصر با روزگار کلدانی‌ها در بابل در گزارش یوسبیوس در Eusebius, *Chronicle*: 102-103, 186-189) و عبارت دیودور درباره برقراری شیوه‌ای دموکراتیک پیش از شاهی دیوکِس (بنگرید به پیشتر)، مطابق با جدول ۲، این دوره غیرسلطنتی درست منطبق بر فاصله پایان حکومت آرتوکاس در گزارش کتسیاس (۷۰۸ پ. م) و شاه شدن دیوکِس در گزارش هرودوت (۷۰۰ پ. م) می‌شود که این نیز یک هم‌خوانی قابل توجه از اطلاعات آماری دو منبع یادشده نسبت با هم است.

۶- با توجه به هم‌پوشانی گاه‌نگاری دوران قضاوت دیوکِس و شاهی او (پیش از ۷۰۰ پ. م تا ۶۴۸ پ. م) و دوران حکومت آربیانس (۶۸۶-۷۰۸ پ. م) و حکومت آرتایوس (۶۴۷-۶۸۷ پ. م) از یک طرف و مطابقت دقیق مدت حکومت، بازه زمانی حکومت و کردارها میان سه شاه آخر مادی (فراُرتس، کیاکسارس و آستیاگس) در فهرست هردوت و سه تن پایانی (آرتونس، آستیباراس و آسپانداس) در فهرست کتسیاس (طبق روایت دیودور)، گویا آربیانس لقب یا نام حقیقی دیوکِس پیش از سلطنت و در دوران قضاوت و الگوی غیر سلطنتی دولت-شهرها بوده و آرتایوس نام یا لقب همین فرد پس از به انتخاب به شاهی از سوی انجمن هگمتانه بوده است که این مساله، عدم تعارض دو گزارش را نشان می‌دهد.

جدول ۲ که نمایی کامل از مجموع داده‌های موجود درباره نام‌نامه‌های شاهان ماد ارائه می‌دهد، به خوبی روشن می‌کند که تاریخ‌مندی داده‌های کتسیاس در این باره قابل پیگیری است و تا چه حد تحلیل‌های مطرح شده از سوی کسانی که به طور سطحی این اطلاعات را بررسی کرده‌اند، سست بوده است.

جدول ۲- گاه‌نگاری تطبیقی داده‌های مرتبط با دوره ماد برمبنای متون میان‌رودانی (بنگرید به منابع ستون اول)، هرودوت (Herodotus, I: 95-103, 106-107 & 130)، کتسیاس (*خلاصه فوتیوس*، ۱۳۸۰: ۱۵؛ Diodorus, *Library of history*:II/32-34)، یوسبیوس (برمبنای کتسیاس و دیگران در *Chronicle*: 67-68)، خورنی (خورنی، ۱۳۸۰: ۹۹) و آگاپیوس (*Universal History*: 100)؛ بازه‌های زمانی دارای خط، مرتبط با گاه‌نگاری پیشنهادی در این مقاله برای تعیین زمان حکومت اشخاص هستند.

داده‌های متون آشوری و بابلی (تاریخ مستند)	فرمانروایان ماد در نگاشته‌های از هرودوت (اسطوره-تاریخ)	فرمانروایان ماد در نگاشته‌های کتسیاس (برگرفته از دیودور و / اسبیوس) (اسطوره-تاریخ)	فرمانروایان ماد در نگاشته‌های خورنی و / آگاپیوس (اسطوره-تاریخ)
اشاره شلمانسر سوم در سال بیست و چهارم از سلطنت خود (۸۳۶ پ. م) به «سرزمینِ (اهالی) اَمَد» -K^{UR}*a-ma-da-a* در کتیبه A.0.102.14 (121) و کشتار و تاراج آنان و همسایگانشان به همراه آتش زدن شهرهایشان (Grayson, 1996: 67- 68)	مادی‌ها در دهکده‌هایی پراکنده زندگی می‌کردند و (Herodotus, I: 96).	در هر دو منبع: باج‌گذاری به شاه آشور در نینوا، سارداناپالوس (Σαρδανάπαλος) (۸۱۶-۸۳۶ پ. م) و یا پیش از حکومت آرباکِس (Diodorus, *Library of history*: II/28; Eusebius, *Chronicle*:59, 65, 67)	حکومت ساردانا‌پاغُس Sardanapaghos (خورنی، ۱۳۸۰ : ۹۶) / حکومت ۲۰ ساله آخرین شاه قبل از آرباکوس Kounthoulaous (Agapius, *Univesal history*: 100)
طغیان آشور-دنین-اپلی (آشور-دَنّین-اپلَ) و تصرف نینوا و ۲۶ شهر دیگر به روزگار شلمانسر سوم و ادامه آن تا سلطنت شمشی-ادد پنجم (Grayson, 1996:183) (۸۱۶-؟ پ. م) در اسطوره (۸۱۶-۸۳۶ پ. م)			

وارباکِس (Varbakes)- / آرباکوس (Arbacus)، ۲۸ سال	آرباکس/آرباکن، در هر دو منبع: ۲۸ سال (۸۱۶-۷۸۸ پ. م) قیام بر ضد ساردناپالوس، (آشور-دنین-اپلی/آشور-دَئین-اپلَ) (Luckenbill, 1926: 254; Grayson, 1996: 183). دراین قیام، بلسوس/بلسیوس (مردوک-بلاطسّو-ایقبی)، شاه بابل او را همراهی کرد. سقوط ساردناپالوس و به قدرت رسیدن آرباکس در ماد، به سال ۴۰ پیش از برگزاری نخستین المپیک یونانیان (۷۷۶ پ. م)، برابر با سال ۸۱۶ پ. م. (Diodorus, *Library of history*: II/28 & Eusebius, *Chronicle*:59, 67)	---	اشاره شَمشی-اَدَد پنجم در سومین لشگرکشی خود به «سرزمین (اهالی) مَتَ» $^{KUR}ma\text{-}ta\text{-}a\text{-}a$ و «خَنَصیروکَ» (اهلِ) ماد *ḫa-na-ṣi-ru-ka* و «شهر شاهانه او، سَگبیتَ» $^{URU}sag\text{-}bi\text{-}ta$ URU MAN *–ti* و ۱۲۰۰ شهر دیگر او در کتیبه A.0.103.1 (iii-27, 32, 35 & 36) (Grayson, 1996: 185-186) (حالت ۱: او شاهی مستقل از آرباکس بوده است؛ حالت ۲: او همان آرباکس بوده است) زمان پیشنهادی برای تسلط بر مناطق تحت فرمان آشور-دنین-اپلی در این مقاله: ۸۱۶ پ. م. --- اشاره اَدَد-نارای سوم (۷۸۳-۸۱۱ پ. م) به «سرزمین (اهالی) مَدَ» $^{KUR}ma\text{-}da\text{-}a\text{-}a$ و دریافت خراج از آن‌ها درکتیبه A.0.104.8 (7) (Grayson, 1996: 212-213)
مُداکیس (Modak’is) -/ ماندائوس (Mandaous)، ۲۰ سال	مائوداکس/مائوداکن ۵۰ سال (۷۳۸-۷۸۸ پ. م) / ۲۰ سال (۷۶۸-۷۸۸ پ. م) * * نسبت به داده‌های آماری دیودور و گاه‌نگاری برخاسته از آن، داده‌های آماری یوسبیوس با شواهد تاریخی و با داده‌های منابع مکتوب مطابقت بیشتری دارند که در جدول، این مساله را با * مشخص می‌کنیم؛ از جمله برابر شدن گاه‌نگاری آرتوکاس با یک فرمانروای شهری در کتیبه سارگن دوم و مطابقت‌های زمانی و کرداری آرتونس، آستی‌باراس و آسپانداس با فراُرتس، کیاکسارس و آستیاگس بر طبق اطلاعات آماری یوسبیوس (بنگرید به پیشتر)	---	--
سُس‌آرمُس (Sosarmos)/ سُس‌آرموس (Sousarmous)، ۳۰ سال	سُسارموس/سُسارمون در هر دو منبع:۳۰ سال (۷۰۸-۷۳۸ پ. م) / (۷۳۸-۷۶۸ پ. م) * (بنگرید به پیشتر) (نابودی حکومت او در اثر حمله سال نهم تیگلات-پیلسر سوم؟)	---	---
آرتیکاس (Ar’t’ikas) -/ آ. ثا. س (A.tha.s)، ۳۰ سال	آرتوکاس/ آرتوکان ۵۰ (۶۵۸-۷۰۸ پ. م) / ۳۰ سال (۷۰۸-۷۳۸ پ. م) * * از نظر زمانی می‌تواند برابر هَ/خَردوکّ/زَردوکّو یا زاردوکا/زاردوکّو		اشاره تیگلات-پیلسر سوم به حمله خود به ماد یا سرزمین مادی‌ها ($^{KUR}ma\text{-}da\text{-}a$) و همسایگان آن و تصرف، تاراج و سوزاندن شهرهای آن‌ها در سال نهم او

(۷۳۷ پ. م) در کتیبه‌های ۱۵ (6)، ۲۹ (3) و ۳۵ ('25-ii)؛ اشاره به گرفتن شهرهای مادی‌هااز جمله بیت-سَنگی و گرفتن باج از آن‌ها از جمله سینگیبوتی و یا پیوست برخی از آن‌ها به آشور (تا شهرهای حدود کوه بیکنی) در کتیبه‌های ۱۷، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۴۶ و ۴۷ (Tadmor & Yamada, 2011: 48, 52, 53, 72, 84, 86, 97, 98, 103, 114, 120, 121) اشاره‌های مختلف سارگن دوم آشوری به ماد یا سرزمین اهالی ماد (-^{KUR}*ma-da-a*) (Frame, 2021: 67, 68 , 93 …) که از الّیپی در غرب آن (*Ibid.* 68, 93) تا کوه بیکنی در شرق (*Ibid.* 156, 173) امتداد داشته است.	---	فرمانروای هَ/خَرَزینو که در کتیبه سارگن دوم نوآشوری به او اشاره شده، باشد (بنگرید به مباحث پیشتر).	
---	(دوران قضاوت دیوکِس و وجود فرهنگ گرد هم آمدن در میدان شهر برای تصمیم‌گیری)	آربیانس (Ἀρβιάνης)؛ آربیانن (Ἀρβιάνην)در گزارش دیودور: ۲۲ سال (۶۸۶-۷۰۸ پ. م) * * یوسبیوس به او اشاره نکرده است، اما گاه‌نگاری او را بر مبنای ادامه اطلاعات دیودور ادامه می‌دهیم. از منظر مطابقت زمانی، می‌تواند همان «دهیوکَ» یا دیوکِس، قاضی توصیف شده از سوی هرودوت در دوره پیش از شاه شدن باشد. دورانی که دیودور آن را روزگار نبود حکومت شاه‌محور و برمبنای «الگوی دموکراتیک» خوانده است (بنگرید به پیشتر).	---
اشاره اسرحدون به کردارهای تهاجمی «کشتریتی» یا «کشتریتو»، شاه «کارکَشی» (-^{KUR}*kar--kaš-ši-i*)که یک متحد مادی به نام «مَمیتی‌آرشو» (-*ma-mi-ti-ar-šu*) داشت (بنگرید به مباحث پیشین) اشاره آشوربانی‌پال به حمله خود به شهرهای زیر فرمان «بیریسخَتری»، یک فرمانروای شهری و اهل ماد (بنگرید به مبباحث پیشین)	دیوکِس (Δηϊόκης)، برابر با دَهیوکَ (Dahyu-ka)، ۵۳ سال (۶۴۷-۷۰۰ پ. م) ایجاد و ساز و کار درباری و شاهی، و ساخت هگمتانه، مهم‌ترین اقدامات او است.	آرتایوس (Ἀρταῖος)؛ آرتایون (Ἀρταῖον)، ۴۰ سال (۶۴۶-۶۸۶ پ. م) * یوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۵۴ ساله دیوکِس (Deioces) یاد کرده است. از منظر زمانی، احتمالا همان دهیوکَتوصیف شده از سوی هرودوت پس از شاه شدن باشد. درگیری با کادوسی‌ها از مهمترین اقدامات یادشده وی است.	دِئُوکیس (Deovk'is) -/ دیوکِس (Deioces)، ۵۴ سال
	فراُرتس (Φραόρτης)، برابر با فرَوَرتیش (Fravartiš)، ۲۲ سال	آرتونس (ἀρτύνης)/ آرتونن (ἀρτύνην)، ۲۲ سال (۶۲۴-۶۴۶ پ. م) *	پراوُرتیس ((Pravort'is -/ آفرارتیس ((Aphraartis، ۲۴ سال

	(۶۲۵-۶۴۷ پ. م) * مطیع ساختن پارس، حمله به آشور و شکست آن، از مهم‌ترین اقدامات او است.	یوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۲۲ سال فراأرتس (Phraortes) یاد کرده است. از منظر زمانی و کرداری، احتمالا همان فراأرتس وصف شده از سوی هرودوت باشد.	
سقوط آشور	کواکسارس (Κυαξάρης)، برابر با اووَخشَترَ (ʰUvaxštra)، ۴۰ سال (۵۸۵-۶۲۵ پ. م) * حمله‌ی سکاها، شکست دادن سکاها، حمله به نینوا، حمله به لیدی، و خورشیدگرفتگی معروف به هالیس، از مهمترین وقایع زمان او بوده است.	آستی‌باراس (Ἀστιβάρας)/ آستی‌باران (Ἀστιβάραν)، ۴۰ سال (۵۸۴-۶۲۴ پ. م) * یوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۳۲ ساله کیاکسارس (Cyaxares) یاد کرده است. حمله سکاها، صلح با سکاها و عقب راندن آنها، از مهمترین وقایع زمان او بوده است. از منظر زمانی و کرداری، احتمالا همان کیاکسارس وصف شده از سوی هرودوت باشد.	کواکسارس (K'vaksares) -/ کیاکسارس (Cyaxares)، ۳۴ سال
--	آستواگس (Ἀστυάγης)، احتمالا برابر پارسی اَرشتی‌وَئیگَ (Rštivaigah)، ۳۵ سال (۵۴۹/۵۵۰-۵۸۵ پ. م) * سقوط حکومت مادی‌ها به دست کوروش در زمان او به وقوع پیوست.	آسپانداس (Ἀσπάδας)/ آسپاندان (Ἀσπάδαν)، عدم ارائه تاریخ [بازسازی به صورت: (۵۴۹/۵۵۰-۵۸۴ پ. م)]* یوسبیوس به او اشاره نکرده، اما از حکومت ۳۸ ساله آشداهاک (Ashdahak) یاد کرده است. سقوط مادی‌ها به دست کوروش در زمان او به وقوع پیوست. قطعا برابر با آستیاگس در گزارش هرودوت و ایشتومِگو در گزارش *نبونئید* است.	آژداهاک (Azhdahak) -/ آستیاگس (Astyages)، ۲۸ سال

نتیجه‌گیری

در پژوهش کنونی دیده شده که برخلاف دیدگاه کسانی که پیرو اظهارات دیاکونوف در نوشته‌های مرتبط با دوره ماد خود، رای به نادرستی داده‌های کتسیاس داده‌اند، اثراتی از درستی ادعای مطرح شده برای منابع استفاده شده این نویسنده یونانی‌زبان، یعنی دفاتر شاهی بایگانی شده وجود دارد و از این‌رو، می‌توان نسبت به موجودیت اطلاعات او نزد کاتبان روزگار هخامنشی درباره شاهان آشور و ماد (و به تبعیت از آن ادوار پیشین) مطمئن شد. در ادامه بیان شد که میان این نام‌نامه‌های اساطیری و داده‌های توصیفی و آماری آن‌ها، گاه‌نگاری برآمده از این اطلاعات و آن‌چه در کاوش‌های باستان‌شناسی و نیز از محتوای منابع مکتوب میان‌رودانی به دست آمده است، یک هم‌خوانی بسیار دقیق برقرار کرد. این‌که در نام‌نامه شاهان آشور، ساردناپالوس، آخرین فرمانروای این سیاهه خصوصیات او و داده‌های آماری و توصیفی مرتبط با وی درست منطبق با یک شاه‌زاده شورشی به نام آشور-دنین-اپلی است و یکی دیگر از شخصیت‌های مهم در اسطوره یادشده، بلسوس یا بلسیوس بابلی نیز از همین منظر، به طور دقیق با مردوک-بعلاطسّو-ایک/قبی، شاه بابل است، به‌خوبی نشان می‌دهد که داده‌های برجای مانده از کتسیاس، ریشه‌هایی تاریخی دارند و با مطالعه تطبیقی میان این داده‌ها و شواهد موجود در نبشته‌های میان‌رودانی و دیگر نویسندگان متاخرتر می‌توان به یک مبنای تاریخی برای آن‌ها دست یافت. در این مقاله هم‌چنین دیده شد که نقش خَنَصیروکَ، شاه مادی سَگبیتَ و شماری شهر دیگر در نام‌نامه اساطیری شاهان ماد قابل تفسیر است و داده‌های مرتبط با کیستی شخصیت‌های مادی دیگر از نظر زمانی و یا توصیفی، با داده‌های موجود در منابع مکتوب آشوری، قابلیت انطباق دارد.

کتاب‌نامه

۱.افکنده، احسان، ۱۳۹۵. «بازتاب شکل‌گیری دولت ماد در گفتار مادی هرودوت»، *تاریخ ایران*، شماره ۲۰ (۷۸/۵)، تابستان-پاییز، صص ۲۳-۱

۲.*تورات* (کتاب مقدس) ۱۸۹۵ م. نسخه ترجمه رابرت بروس و کاراپت اوهانس، تهران، نشر مولف.

۳.پیرنیا، حسن ۱۳۶۶، *تاریخ ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.

۴.دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ، ۱۳۴۵.*تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۵.خدادادیان، اردشیر ۱۳۷۶، *آریایی‌ها و مادها*، تهران: اصالت تنشیر.

۶.زرین‌کوب، روزبه،۱۳۸۷. «بنیان‌گذاری اتحاد مادها و اهمیت منبع شناسی آن»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)*، دوره ۵۹، شماره ۱۸۵، صص: ۹۹-۱۱۲.

۷.سوزینی، فرانسواز؛ کلاریس هرن اشمیت و فلورنس ملبرن-لابا، ۱۳۸۷. *سنگ‌نبشته داریوش بزرگ در بیستون (عیلامی-هخامنشی)*، ترجمه داریوش اکبرزاده، تهران، نشر پازینه.

۸.شارپ، رلف نارمن، ۱۳۸۴. *فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی*، چاپ دوم، تهران، نشر پازینه.

۹.علی‌یاری بابلقانی، سلمان، ۱۳۹۴. تحریر ایلامی کتیبه داریوش بزرگ در بیستون، تهران، نشر مرکز.

۱۰.علی‌یف، اقرار ۱۳۸۸، *پادشاهی ماد*، ترجمه کامبیز میربها، تهران: ققنوس.

۱۱.فیروزی، سورنا، ۱۳۹۳. *پژوهش تطبیقی میان شواهد باستانشناختی غرب فلات ایران از ۲۰۰۰ تا ۵۵۰ پ. م و گزارش‌های کلاسیک یونانی و منابع میان رودانی ایرانی، ارمنی و سریانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، بهمن‌ماه.

۱۲.فیروزی، سورنا، ۱۳۹۹. «نگاهی نو به کیستی چند شاه مادی و ساردناپالوس»، *نشریه تاریخ اندیش*، سال ۳، شماره ۷، صص: ۱۳۳ – ۱۴۴.

۱۳.فیروزی، سورنا، رضا مهرآفرین و سید رسول موسوی حاجی، ۱۴۰۰. «کَرزینَ، اَکری‌یَش، زِرک/قولی‌یَش، سورگینی‌یَش، هاندَکی‌یَش، مونّی و اومَّن-مَندَ؛ چالش متون میان‌رودانی و ایرانی‌تباران در فلات ایران»، *جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۲۲ ۲۰-۳۵.»

۱۴.فیروزی، سورنا؛ مهرآفرین، رضا؛ و محمدامین سعادت‌مهر، ۱۴۰۱. «بازنگری در نام‌نامه‌های اساطیری شاهان آشور؛ تاریخ در دل اسطوره»، *جستارهای باستان‌شناسی ایران (پیش از اسلام)*، مقالات آماده انتشار.

۱۵.کامرون، جورج، ۱۳۶۵. *ایران درسپیده‌دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی.

۱۶.ملازاده، کاظم، ۱۳۹۳. *باستان‌شناسی ماد*، تهران: نشر سمت.

۱۷.ملبرن-لابا، فلورانس، ۱۳۸۸. *سنگ‌نبشته داریوش بزرگ در بیستون* (رونوشت اکدی – بابلی)، ترجمه داریوش اکبرزاده، تهران، نشر پازینه.

۱۸.ملکزاده، مهرداد، ۱۳۹۸، «هرمامیثرس: یک نام مادی در فهرست پادشاهان آشور!»، *پژوهش‌های ایرانشناسی*، سال ۹، شماره ۲: صص.۱۲۴-۱۵۱.

19.*ABC* 7, Available (2022) at: https://www.livius.org/sources/content/mesopotamian-chronicles-content/abc-7-nabonidus-chronicle/

20.*ABC* 25, Available (2022) at: https://www.livius.org/sources/content/mesopotamian-chronicles-content/abc-25-walker-chronicle/

21.Agapius, 1909. *Universal History*, Translated by Alexander Vasiliev, part 2. pp.1-287. available at 2022:

22.https://www.tertullian.org/fathers/agapius_history_02_part2.htm

23.Baumstark, C. A. 1899, "Chalaos (Χάλαος)", in *Paulys Realencyclopädie der classischen Altertumswissenschaft III/2,* Available at, 2022: https://de.m.wikisource.org/wiki/RE:Chalaos

24.Baumstark, C. A. 1897, "Belesys 2 (Βέλεσυς)", in *Paulys Realencyclopädie der classischen Altertumswissenschaft III/1,* Available at, 2022: https://de.m.wikisource.org/wiki/RE:Belesys_2#III, 1

25.Billerbeck, A., 1898. *Das Sandschak Suleimania und dessen persitsche Nachbarlandschaften zur Babylonischen und assyrischen Zeit*, Leipzig.

26.Dalley, S. 2005, “Semiramis in History and Legend: a Case Study in Interpretation of an Assyrian Historical Tradition, with Observations on Archetypes in Ancient Historiography, on Euhemerism before Euhemerus, and on the So-called Greek Ethnographie Style”, in *Cultural Borrowings and Ethnic Appropriations in Antiquity,* ed. S. Gruen, Erich, Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
27.Diakonoff, I.M. and S.M. Kashkai, 1979. *Geographical Names According to Urartian Texts, Repertoire Geographique des Textes Cuneiformes IX*, In: Beihefte *zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients*. Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.
28.Diakonoff, I.M., 1985. "Media", chapter 3, In: *CHIr 2: The Median ans Achaemenian periods*, 36-148.
29.Diakonoff, I.M., 1991. "*'ry Mdy*, The cities of the Medes", In: *Assyria Studies in Assyrian History and Ancient Near Eastern Historiography Presented to Hayim Tadmor,* M. Cogan & I. Ephaʿal (eds.), Jerusalem: 13-20.
30.Diodorus Siculus*, Library of History*, Version of the Loeb Classical Library edition. available at (2022) :
31.https://penelope.uchicago.edu/Thayer/e/roman/texts/diodorus_siculus/2a*.html
32.*Encylopaedia Iranica.* 2021. “Media”, Availabe (2022) at:
33.https://iranicaonline.org/articles/media
34.Eusebius, *Chronicle*, English translation version, attalus organization. Available at 2022: http://www.attalus.org/translate/eusebius4.html#7
35.Gilmore, J. 1888, *The Fragments of Persika*, London & New York: MacMillan and Co.
36.Gera, D. 1997, *Warrior Women: The Anonymous Tractatus De Mulieribus*. Leiden, Brill.
37.Frahm, E. 2003, “Images of Ashurbanipal in Later Tradition”, *Eretz Israel*, Vol. 27: pp. 37-48.
38.Frahm, E. 2017, “List of Assyrian Kings”, in *Blackwell Companions to the Ancient World: A Companion to Assyria,* ed. E. Frahm, Hoboken: John Wiley, pp. 613-616.
39.Frame. G., 2021.*Royal Inscriptions of Sargon* II*, King of Assyria (721-705) , The Royal Inscriptions of The Neo-Assyrian Period* Vol. 2, Pennsylvania: Eisennbrauns.
*40.*Fuchs, A., 1994, *Die Inschriften Sargons II. Aus Khorsabad*, Göttingen.
41.Fuchs, A., 1998. *Die Annalen des Jahres 711 vChr. Nach Prismenfragmenten aus Nineveh und Assur*, SAAS 8, Helsinki.
42.Fuchs, A., 2003-5, "Parsua(š)", In: Reallexikon der Assyriologie und Vorderasiatischen *Archäologie X*: 340–342.
43.Fuchs, A. 2008, “Der Turtan Šamši-ilu und die grosse Zeit der assyrischen Grossen (830–746) ”, *Die Welt des Orients*, Vol. 38: pp. 61-145.
44.Gadd, C. J., 1923, *The Fall of Nineveh, The newly discovered Babylonian chronicle, No. 21,901, in the British museum*, London: Oxford University Press.
45.Gilmore, J., 1888. *The Fragments of Persika*, London and New York: MacMillan and Co,.
46.Glassner J,J., 2004. *Mesopotamian Chronicles (Writings from the Ancient World)* (Writings from the Ancient World), Edited by B.R. Foster, Atlanta: Society of Biblical Literature,.
47.Grantovskiy, E.A., 1970. *Ronnyaya Istoriya Iranskikh Plemen Peredney Azii*, Moscow.
48.Grantovskiy, E.A., 1998. *Irani I Irancy do Akhemenidov*, Moscow.
49.Grayson, K. A., 1991, *Assyrian Rulers of the Early First Milennium BC I (1184-859 BC); The Royal Inscription of Mesopotamia,.Assyrian Periods*.Vol. 2. Toronto: University of Toronto Press.
50.Grayson, K. A., 1996, *RIMA 3/ Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC, II (858-745 BC),The royal inscriptions of Mesopotamia Assyrian periods*, Vol. 3, Toronto: University of Toronto Press.
51.Herodotus, 1942. Histories. English translation by Alfred Denis Godley. Vol. 1, Available at 2022: https://www.perseus.tufts.edu/hopper/text?doc=Perseus:text:1999.01.0126
52.Herzfeld, E., 1968. *The Persian Empire*, Wiesbaden.
53.Horowitz, Wayne, 1998, *Mesopotamian Cosmic Geography*, Winona Lake, Indiana: Eisenbrauns.
54.Isidore of Charax, 1914.*The Parthian Statins*, The Greek text with translation by W.H. Schoff, Philadelphia: The Commercial Museum.
55.Labat R., 1961 . “Kaštariti, Phraorte et les débuts de l’histoire Mède,” *JA*, 249: 1-12.
56.Ivantchik, A., 1993. *Les Cimmériens au Proche-Orient*,Göttingen.
57.Kent . Roland G., 1950. *Old Persian, Grammar, Texts, lexicon*, New Haven, Connecticut: American Oriental Society.
58.Kruger, J., 1856. *Geschichte der Assyrier [Assyrer] und Iranier vom 13ten bis zum 5ten Jahrhundert vor*

Christus, Frankfurt: a. M., Verlag von Heinrich Ludwig Brönner.
59.Lanfranchi, G.B. and S. Parpoka, 1990, "The Corresponndennce of Sargon II. Part 2: Letters from the Northen and Northeastern Provinces", *SAAS* 5, Helsinki.
60.Lanfranchi, G. B., 1995."Assyrian Geography and Neo-Assyrian Letters: The Location of Hubuskia Again". In: *Neo-Assyrian Geography*. Rome: Roma: 127- 137.
61.Leichty, E., 2011. *Royal Inscription of the Neo- Assyrian Period. The Royal Inscription of Essarhaddon, King of Assyria (680-669 BC)*. Winona Lake: Eisenbrauns.
62.Lenfant, D., 1996. "Ctésias et Hérodote, ou les réécritures de l'histoire dans la Perse achéménide." *Revue des Études Grecques* 109:348–380.
63.Levine, L. D., 1972.*Two Neo-Assyrian Stelae from Iran*, Royal Ontario Museum, Art and Archaeology Occasional paper, 23, Toronto.
64.Levine, L. D., 1974. "Geographical studies in the Neo-Assyrian Zagros II", *Iran*, 12: 99-124.
65.Levine, L. D., 1977. "Sargon's Eighth Campaign". Mountains and lowlands: Essays in archaeology of greater Mesopotamia. Malibu. pp. 135-151.
66.Llewellyn- Jones, L. and J. Robson, 2010.*Ctesias's History of Persia, Tales of the Orient*, London & New York: Routledge.
67.Luckenbill, D. D., 1926, *Ancient Records of Assyria and Babylonia*. Chicago: University of Chicago press.
68.Luckenbill, D. D., 1926, *Ancient Records of Assyria and Babylonia*. Chicago: University of Chicago.
69.Macgregor, S. L. 2012, *Beyond Hearth and Home: Women in the Public Sphere in Neo-Assyrian Society,* Helsinki: Neo-Assyrian Text Corpus Project.
70.Mahieu, B. 2018, "The Old and Middle Assyrian Calendars and the Adoption of the Babylonian Calendar by Tiglath-pileser I", *State Archives of Assyrian Bulletin,* Vol. 24.
71.May, N. N. 2018, "Neo-Assyrian Women, Their Visibility, and Their Representation in Written and Pictorial Sources", in *Studying Gender in the Ancient Near East*, eds. Saana Svärd and Agnès Garcia-Ventura, Pennsylvania: University Park, pp. 249-288.
72.Melville, S. C. 2004, "Neo-Assyrian Royal Women and Male Identity: Status as a Social Tool", *Journal of the American Oriental Society*. Vol, 124, No. 1: pp. 37-57.
73.Medvedskaya, I. N., 1999, "Media and its Neighbours I: The Localization of Ellipi", *Iranica antiqua*, Vol. XXXIV.
74.Millard, A.R., 1994, "The Eponyms of the Assyrian Empire 910-612 B.C", *SAAS* 2, Helsinki.
75.Novotny, J. 2004, "Sammu-rāmat or Sammu-ramāt", in *Prosopography of the Neo-Assyrian Empire 3/1*. ed. H. D. Baker, Helsinki: The Neo-Assyrian Text Corpus Project: pp. 1083-1084.
76.Novotny, J. and J. Jeffers, 2018, *Royal Inscription of the Neo-Assyrian Period. The Royal Inscription of Ashurbanipal (668-631 BC)*. Winona Lake: Eisenbrauns
77.Parpola, S.,1970. *Neo-Assyrian Toponyms*, AOAT 6, Neukirchen.
78.Parpola, S. & M. Porter, 2001. *The Helsinki atlas of the Near East in the Neo-Assyrian period*, Casco Bay Assyriological Institute.
79.Reade, J. E. (1978). "Kassites and Assyrians in Iran".*Iran.* Vol. 16: pp. 137-143.
80.Roaf, M., 1995 . "Media and Mesopotamia: History and Architecture," in John Curtis, ed., *Later Mesopotamia and Iran: Tribes and Empires 1600–539 BC*, Proceedings of a Seminar in Memory of Vladimir G. Lukonin, London: 54–66.
81.Sayce, A. H. 1884, *The Ancient Empire of the East*, London: MacMillan and Co.
82.Starr, I., 1990. *State Archives of Assyria*,Vol. IV, *Queries to the Sun god*, Helsinki: Helsinki University Press.
83.Streck, M., 1900. "Das Gebiet Der heutigen Landschaften Armenien, Kurdistân und Westpersien nach den Babylonisch-assyrischenn Keilschriften", *ZA* 15: 257-382.
84.Svärd, S. (2016). "Neo-Assyrian Elite Wome", in *Women in Antiquity: Real Women across the Ancient World*, eds. S. L. Budin and J. M. Turfa, London: Routledge.
85.Tadmor, H. and S. Yamada, 2011, *The Royal Incriptions of Tiglat-Pileser III(744-727 BC) and Shalmaneser V (726- 722 BC), Kings of Assyria; Royal Inscription of the Neo- Assyrian Period*. Vol. 1, Winona Lake: Eisenbrauns.

*86.*Tavernier, J.,2007. *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.)*, *lexicon of Old Iranian proper,names and loanwords, attested in non-Iranian texts*, Peeters Thureau-Dangin, F.,(1912).*Une relation de la huitième campagnne de Sargon*, TCL 3, Paris.
87.Teppo, S. 2007, "Agency and the Neo-Assyrian Women of the Palace". *Studia Orientalia,* Vol. 101: pp. 381-420.
88.Tümpel, K. 1897, "Belos 3 (Βῆλος)", in *Paulys Realencyclopädie der classischen Altertumswissenschaft III/1,* Available at, 2022: https://de.m.wikisource.org/wiki/RE:Belos_3
89.URL 1: *SAA,* Available (2022) at: http://oracc.museum.upenn.edu/saao/saa04/pager
90.URL 2: *SAA 04 051*, at: http://oracc.museum.upenn.edu/saao/saa04/pager
91.Vera Chamza, G.W., 1994."Der VIII Feldzug Sargon II.Eine Untersuchung zu Politik und historischer Geographie des späten 8. Jhs. V. Chr. 1., *AMI* NF 27: 91-118.
92.Winckler, H., 1889. *Die Keilschrifttexte Sargons nach den Papierabklatschen und Originalen neu herausgegeben*, 1-2, Leipzig.
93.Zadok, R., 1976."On the connections between Iran and Babylonia in the sixth century BC", *Iran*, 14: 61-78.
94.Zadok, R., 1985. "Zur Geographie Babyloniens während des sargonidischen chaldäischen achämenidischen hellenistischen Zeitalters", *WO* 16: 19-79.
95.Zadok, R., 2002. *The Ethno-linguistic Character of Northwestern Iran and Kurdistan in the Neo-Assyrian Period*. Tel Aviv: Archaeological Center Publications.
96.Zawadzki S., 2011–2012. "Umman-mandaRevisited", *State Archives of Assyria Bulletin*, Vol. XIX: 267- 278
97.Zimansky, P., 1990. "Urartian Geography and Sargon's Eighth Campaign", *JNES*, 49 (1) : 1-21.